

نگاه الگوی روابط منطقه‌ای ایران و آمریکاپس از توافق هسته‌ای مسعود رضایی*

● تاریخچه سال‌های اخیر، ابعاد آنچه را که در این رخ داده، بیشتر نمایان می‌کند. به‌جای اینکه سیاست‌مداران گزینه راه‌حل‌های خصمانه را برگزینند، توافق وین پیروزی دیپلمات‌ها و عمل‌گرایان بود. حالا به فرض پایداری توافق و ناکامی همه اقدامات مغرب، این سؤال مطرح می‌شود که الگوی روابط منطقه‌ای ایران و آمریکا پس از توافق وین به چه شکل خواهد بود؟ برخی معتقدند پس از موفقیت مذاکرات هسته‌ای، واشنگتن و تهران با توافق بر سر چارچوب امنیتی در خاورمیانه قادر خواهند بود با الگو قراردادن «موافقت‌نامه هلسنیکی» (که آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۷۰ میلادی آن را منعقد کردند)، زمینه همکاری دوجانبه را در منطقه فراهم کنند. برخی نیز الگوی مناسب‌تر برای احیای رابطه ایران و آمریکا را با «کنسرت اروپا» قابل مقایسه می‌دانند که پس از شکست ناپلئون ایجاد شد. یک نظر بدیمی دیگر درباره ازسرگیری روابط ایران و آمریکا این است که تدریجاً مانع اصلی در بهبود روابط به‌شمار می‌روند. آنها به الگوی «ازسرگیری روابط آمریکا و چین در دهه ۷۰ میلادی» به‌عنوان نمونه‌ای برای برقراری آشتی بین دو دشمن اشاره می‌کنند. اما موضوعیت این مباحث در خاورمیانه با ایهام مواجه است؛ جایی که اهداف و متغیرهای ناسازگار، ایران و ایالات‌متحده را به رقابت و تعارض واداشته است. درواقع ظهور «داعش» این واقعیت را تغییر نمی‌دهد. واقعیت ساده این است که هرگونه تلاشی برای افزایش همکاری آمریکا با ایران در خاورمیانه، تغییراتی در توازن قدرت منطقه‌ای ایجاد خواهد کرد که آمریکا مایل به آن نیست و قبل از هرچیز، تغییر در پیوندهای منطقه‌ای ایران موردنظر آنهاست. اما شاید الگوی قابل پیش‌بینی برای آینده روابط ایران و آمریکا را بتوان با تحولات دهه ۹۰ میلادی و فروپاشی شوروی قیاس کرد. در این زمان بسیاری با خوشحالی نظریه «پایان تاریخ» فوکویاما را ملاک پیش‌بینی و ارزیابی خود از آینده روابط روسیه و آمریکا می‌بینی جهان قرار دادند. از طرفی در افکار عمومی مردم روسیه و کشورهای خارجی، چند اصل بنیادین فکری رواج یافت؛ جنگ سرد پایان یافته و همراه با آن رویارویی و جبهه‌گیری متقابل به بلوک رقیب نظامی-سیاسی نیز خاتمه یافته و در نتیجه، جهان در انتظار ثبات و امنیت بیشتری خواهد بود. ولی اکنون معلوم شده که ایالات‌متحده و متحدان غربی آن در دودمه بعد از پایان جنگ سرد به‌طور هدفمند، مشغول ایجاد تغییرات در نقشه ژئوپلیتیکی جهان مطابق با خواسته‌ها و منافع خود در ابعاد مختلف بوده‌اند؛ تغییری که با گسترش ناتو و اتحادیه اروپا به شرق و همچنین استقرار سپر دفاع موشکی به‌گونه‌ای بسیار چشمگیر روسیه را محاصره استراتژیک کرده است. با درنظرگرفتن این‌الگو، تاحدودی به نظر می‌رسد شرایط مورد انتظار برای ایران و آمریکا در منطقه، در بهترین حالت می‌تواند همچون روابط کنونی روسیه و آمریکا باشد. دلیل آن این است که آمریکا همواره به یک تهدید خارجی نیاز دارد. از نظر واشنگتن این تهدید برای اروپا و اوراسیا باید روسیه باشد، در شرق آسیا باید چین تهدید تلقی شود و در خاورمیانه وجود تهدیدی ساختگی همچون ایران ضروری است. اما آنچه که اهمیت دارد، توانایی «نه»گفتن ایران به خط‌مشی‌های سیاسی‌ای است که سیاست‌گذاران آمریکایی به‌دنبال ترسیم آن هستند. این دگترین نته‌ها می‌گوید کسی نباید به آمریکا «نه» بگوید، بلکه باید شرایطی وجود داشته باشد تا تجهیزات نظامی به فروش برسد و سلسله بر منابع استراتژیک جهان نیز ادامه یابد. تحت این شرایط آنچنان‌که باید و شاید، در آمریکای نومحافظه‌کار وابسته به مجتمع نظامی-صنعتی، صنایع نفتی و سرمایه مالی، نگاه به ایران با توافق هسته‌ای وین تغییری نخواهد کرد.مارک تواین می‌گوید: «تاریخ تکرار نمی‌شود اما دارای نظم است». این حرف به نظر منطقی می‌آید. اگر آن را بپذیریم، با عنایت به تاریخی که به آن دسترسی داریم، می‌توان فهمید که رهیافت و اهداف استراتژیک آمریکا در عرصه جهانی «بازدارندگی استراتژیک» ایران در خاورمیانه مطرح است و «مهار» برای بازنگران دگراندیشی، یعنی اکنون با پایان‌یافتن مذاکرات هسته‌ای، دیدگاه غالب این نیست که واشنگتن با سازش و تنش‌زدایی واقعی با تهران، به فکر استفاده از ایران برای صلح خاورمیانه است یا درصدد است برای تحقق سیاست «چرخش اوپاما به سمت آسیا-پاسفیک» یا «تکمیل محاصره روسیه از جنوب» هرچه در توان دارد برای نزدیکی به ایران به‌کار گیرد؛ اگر هم این موضوع راهبرد بلندمدت آمریکا باشد، استراتژی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با چنین اهدافی سازگار نمی‌شود. در سطحی کلان، بحث بر سر فاز جدیدی از الگوی «مهار نفوذ منطقه‌ای» و «بازدارندگی استراتژیک» ایران در خاورمیانه مطرح است و نه همکاری. چراکه همکاری‌ها می‌دانند این‌ها نیز همچون خودشان در برخی اهداف و سیاست‌ها، حداقل در خاورمیانه به‌لحاظ فکری، خاستگاه و اهداف، جابه‌جایی راهبردی ندارند. بنابراین، در ایده‌آل‌ترین شرایط، دو کشور می‌توانند در خاورمیانه، نوعی خارج از کنترل را مهار کنند و با تجربه همکاری اقتصادی و فرهنگی محدود، در بُعد سیاسی و امنیتی نیز با راه‌اندازی خط ارتباطی «هات‌لاین» روابط خود را به صورت «صلح مسلحانه» حفظ کنند و ادامه دهند. پس در کوتاه‌مدت، انتظار نظم نوین آمریکایی- ایرانی در خاورمیانه ساده‌انگارانه به نظر می‌رسد.

«پژوهشگر مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه

ادامه از صفحه ۶

ایرانی داشت. در محل رزیدانس سفیر ایران (اقامتگاه) انجام شد. این دیدار خیلی سؤال‌برانگیز شد. چرا آنجا؟ مگر آمریکا نمی‌توانست خودش جایی را تعیین کند؟ از همان منظر که چرا در مکان‌های بی‌طرف، مانند اماکن UN برگزار نشد؟ تحلیل شما از انجام آن دیدار در محل رزیدانس چه بود؟

سه مسئله در این زمینه هست که هر سه نشان‌دهنده تمایل آمریکا به حل مسئله با ایران بود. مسئله اول زمانی بود که ما دکتر ظریف را با جان کری در حال پیاده‌روی دیدیم. من سال‌هاست وقتی تشریفات و آداب مذاکرات را می‌گویم همیشه به مخاطبان یادآوری می‌کنم هرگز در اتاق‌های خود، راجع به خط قرمزهای‌تان صحبت نکنید؛ چرا که استراق سمع هست. تلفن‌های شما را گوش می‌کنند. از شما فیلم می‌گیرند. اینکه می‌بینید دکتر ظریف در بالکن می‌نشیند به این خاطر است. آنجا برای مرور پیشنهادهایی که رسیده یا حرف‌هایی که می‌خواهند بگویند امن است. پشت به شیشه و در بالکن می‌نشینند. درباره پیاده‌روی من می‌گویم که به‌طور قطع پیشنهاد آقای جان کری بوده است؛ چرا که آنها جنس‌های خودشان را می‌شناسند و می‌دانند اسرائیلی‌ها استراق سمع می‌کنند. استراق سمع اسرائیل هم بی‌خطر نیست. آنها حرف‌های داخل اتاق را به جمهوری‌خواهان منتقل می‌کردند. درباره این که بسیاری از ایرانیان مسلمان و وطن‌پرست ما این پیاده‌روی را نپسندیدند؛ من می‌گویم: شما به دکتر ظریف اعتماد دارید که در اتاق بنشینند و مذاکره کند، ولسی اعتماد ندارید که در منظر عموم مذاکره کند؟ اعتماد حضرت‌اقا، بزرگ‌ترین سرمایه دکتر ظریف است و بدترین کس، آن است که اعتماد دیگران را نادیده بگیرد.

دومین مورد، ورود آمریکا به رزیدانس ما در نیویورک است. ما با آمریکا رابط‌های نداریم. این یعنی او وارد خانه ما شده است. مسئله جالب‌ترش این است که وقتی وارد می‌شوند، سفیر ما خانه نیست. آنها قبل از ما وارد شده‌اند. فیلم این‌طور نشان می‌دهد. این نشانه است؛ یعنی ما می‌خواهیم با شما موضوع را حل کنیم، نشانه سوم این است که آقای جان کری به وین می‌آیند و روزها آنجا اقامت می‌کنند. یعنی اوپاما به او گفته «حل کن پاشو بیا» آمریکایی‌ها به اندازه ما در مذاکرات پیچیده نیستند. این سه نشانه و مسئله نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها دوست داشتند که مسئله حل شود.

فراموش نکنیم وقتی که خاویر سولانا با دکتر لاریجانی ملاقات داشت هم می‌بینیم آنها اتاق را ترک می‌کنند و باغ، همراه با مترجم مذاکره می‌کنند. احتمالاً مطلبی هست که اعضای هیات نباید فعلاً در جریان قرار بگیرند. در اینجا حیطه‌بندی اخبار و محرمت و سری‌بودن آن مطرح است.

● **برخی آن زمان گفتند که رزیدانس به دلیل تغییرات محل سفارتخانه و تغییرات کنوانسیون وین، از قاعده خاک پیروی نمی‌کند. اگرچه مصونیت دیپلماتیک دارد.**

البته رزیدانس ما در نیویورک، ملک ماست. استیجاری هم نیست. آن قاعده برای کشورهایی که ما با آنها رابطه سیاسی داریم برقرار است. آنها توی خانه ما می‌آیند. زمانی که در نیویورک بودم، ما میزبان سفرای زیادی بودیم. زمان دکتر خرازای با نژادحسینیان می‌آمدند. ولی آمریکا با ما رابطه ندارد. پس این ورود می‌تواند نشانه دیگری باشد.

● **در این مذاکرات رکوردهایی زده شد مثل اقامت وزیرخارجه آمریکا برای ۱۹ روز در یک شهر و خارج از کشور که برای رسانه‌ها خیلی مهم و جذاب بود**

و حتما پیام‌های دیپلماتیکی هم دارد که شما در بالا به آن اشاره کردید. نکته بیشتری در این باره هست؟

این به‌عنوان نشانه‌ای بود که آمریکا قصد داشت این توافق به دست بیاید. باید می‌ماند تا این‌کار انجام شود. اگر به آمریکا برمی‌گشت کنگره توضیح می‌خواست که تا حالا چه کار کرده‌ای؟ و آخرین مسئله‌ای که برای آمریکا پیش آمد و باز هم، به نفع ما بود؛ کشورهایی دیگر می‌گفتند که ما نمی‌توانیم منتظر تصمیم‌کنگره آمریکا بمانیم. باید به شورای امنیت برود. چرا؟ به‌دلیل اینکه اگر این کار انجام می‌شد یک رویه ایجاد شده بود. هر مسئله دیگری هم که پیش می‌آمد دولت آمریکا می‌گفت اول باید کنگره مجوز دهد، تأیید و تصویب کند تا من بتوانم با شما توافق کنم. در آن صورت سیستم حقوقی بین‌الملل به‌هم می‌خورد.

● **تکته‌ای به یاد آمد که زمان زیادی از آن گذشته است ولی هنوز جالب به نظر می‌آید. هشتمین دور مذاکره در حالی که همه فکر می‌کردیم مذاکره با توافق تمام می‌شود؛ سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان به وین آمد و آقای کری به فرودگاه رفت و در هواپیمای سعود الفیصل، با او ملاقات کرد. این پیام مهمی می‌تواند داشته باشد که وزیر خارجه آمریکا به هواپیمای یک وزیر دیگر برود و با او مذاکره کند. حتی شایعه شد که آمدن سعود الفیصل موجب به‌نتیجه‌رسیدن وین ۸ شد. تحلیل آن رفتار چه بود؟**

سعود الفیصل در اواخر عمرش، خیلی ازیافتاده بود. آلزایمر و پارکینسون و بیماری‌های مختلف داشت و نمی‌توانست راه برود. می‌خواست پیامش را برساند و حتما هم باید خودش می‌گفت. این هم برمی‌گشت به اینکه حرفی از جانب پادشاه آورده بود. باید آن را

وقتی دیپلمات‌ها کت‌هایشان را درمی‌آورند



لایو فیلد مثل کری و مونیز کشش را در آورده، تا بگویند من هستم

به کسی می‌گفت که هدف پادشاه است. نمی‌خواست به کسی پیغام دهد و درعین‌حال به لحاظ جسمی نمی‌توانست از پلکان هواپیمای پایین بیاید. این فقط یک موقعیت خاص تشریفاتی بود. موقعیتی استثنایی بود که این کار انجام شد. ولی می‌دانیم که پیامی داشت و ما الا بعد از آن مسائل دانسته‌ایم که عربستان هم به اندازه اسرائیل نگران است. بعد از این توافق هم شما دیدید که اولین جایی که اوپاما تماس گرفت اسرائیل بود و بعد از آن عربستان بود. بنابراین آن مسئله استثنایی بود و [جنبه] تشریفاتی نداشت.

● **آقای ظریف در این دور از مذاکرات چند بار به بالکن آمد و از همین طریق با خبرنگاران صحبت کرد؛ فارغ از آن عکس‌هایی که در بالکن مشغول کار روی متن‌هایی بود، در بالکن مشرف به چادر خبرنگاران هم برای تلفنی حرف‌زدن یا مشورت‌کردن با اعضای تیم، می‌آمدند و به برخی سوالات خبرنگاران هم می‌نشیند پاسخ می‌دادند. آقای ظریف مثل جان کری با دیگر وزرا دسترسی به خبرنگاران نمی‌داده مثلا نمی‌آمد چند دقیقه صحبت کند. دیپلماسی بالکنی که راه افتاد پیام‌های متعارضی داشت. برخی آن را منفی می‌دانستند و برخی مثبت. تبیین تشریفاتی به‌بالکن آمدن آقای ظریف را بگویید.**

ظریف اگر بخواهد مصاحبه کند باید چیزی برای گفتن داشته باشد. باید پایین بیاید و مانند جان کری که پشت تریبون قرار می‌گرفت بایستد. ظریف نمی‌خواست تا آخرین لحظه حرفی بزند. ولی وقتی به بالکن می‌آمد صحبت‌هایی اتفاقی بود که صورت می‌گرفت. این‌طور نبود که آقای ظریف دوست داشته باشد که مقابل دوربین‌ها قرار بگیرد.

● **آیا می‌شد برای مشورت با آقای فریدون، صالحی یا عراقچی جای دیگری را اندیشید که مدام، جلوی چشم خبرنگاران نباشد که بخواهد جلوی صد دوربین و مقابل سؤال خبرنگاران قرار گیرد؟**

باید از هتل بیرون می‌آمدند که نمی‌شد و مسئله امنیت شخصی‌شان هم مطرح بود یا باید به رستوران می‌رفتند و می‌نشستند. رستوران، آسانسور، اتاقشان، سالن کنفرانس و در راهروها، همه، احتمال استراق سمع داشت. جای امنی پیدا نمی‌کردند که بتوانند حرف‌هایشان را بزنند. اگر قرار است یک چیزی را بدهیم و یک چیزی در مقابلش بگیریم، باید تیم ایران با خودشان مشورت کنند. آنجاست که در بالکن می‌نشینند. البته نشان می‌دهد که آماده مصاحبه نیستند؛ ولی چهارتا سؤال را جواب می‌دهند.

● **شما به‌عنوان یک متخصص تشریفات، این را تأیید می‌کنید که بیابند آنجا و به دو سؤال که می‌شوند پاسخی دهند که نصفه شنیده می‌شود؟ از لحاظ کلیت کار به نظر شما این قابل‌تأیید بود؟**

به عنوان یک کار موقت بله؛ ولی به‌عنوان یک کار سازمان‌یافته نه. [توجه داشته باشید که آنجا] دکتر ظریف باید بیاید پایین پشت تریبون و برای هر سؤالی خودش را آماده کند. ۷۰۰ خبرنگار آنجا حضور داشتند. ● **اولی آقای کری برای سؤال خودش را آماده نمی‌کرد. آقای کری متنی را آماده می‌کرد و درباره شرایطی که در میز مذاکره داشتند، صحبت می‌کرد. فشارهایی را هم که می‌خواست به تیم ایران بیابورد، در همان جواب نمی‌داد.**

● **البته از ابتدای دور جدید مذاکرات در ژنو که دکتر ظریف کار را شروع کرد، در همه دورها خانم اشتون و آقای ظریف و بعد با خانم مگروگنی با همدیگر می‌آمدند و بیانیه مشترک می‌دادند.**

برای حرف‌زدن نقاط مشترکی داشتند و هر دو طرف هم می‌خواستند که این کار انجام شود. یعنی تمایل از سوی دو طرف وجود داشت. البته تاکتیک‌های مذاکره هم انتخابی هستند. اینکه شما چگونه حرف بزنید و به تهاجم رسیده‌اند.

● **آنها از ابتدای دور جدید مذاکرات در ژنو که دکتر ظریف کار را شروع کرد، در همه دورها خانم اشتون و آقای ظریف و بعد با خانم مگروگنی با همدیگر می‌آمدند و بیانیه مشترک می‌دادند.**

برای حرف‌زدن نقاط مشترکی داشتند و هر دو طرف هم می‌خواستند که این کار انجام شود. یعنی تمایل از سوی دو طرف وجود داشت. البته تاکتیک‌های مذاکره هم انتخابی هستند. اینکه شما چگونه حرف بزنید و

نکته من می‌روم؛ معمولاً کشور قدرتمند این کار را می‌کند. همه اینها هست. البته ترک داریم تا ترک! کشورهای قدرتمند می‌توانند میز مذاکره را ترک کنند و این قدرت است.

● **در صحبت‌هایتان به موضوع جاسوسی از مذاکره اشاره کردید. نرم‌افزار «کسپرسکی» که جاسوسی از محل مذاکرات هسته‌ای را افشا کرد، گفت دوربین اتاق‌ها هم کنترل می‌شد؛ خطر جاسوسی چقدر در این مذاکره جدی بود؟**

نه فقط در این مذاکره، در همه مذاکرات، سال‌هاست که من این موضوع را مطرح می‌کنم. به دیپلمات‌های ایرانی می‌گفتم هیچ‌وقت در اتاق رنستان مذاکره نکنید. وقتی به ملاقات یا سفر می‌رویم معمولاً به رئیس ما یک اتاق خیلی بزرگ می‌دهند. می‌گفتم هیچ‌وقت فریب بزرگی اتاق ریستان را نخورید. پشت یا بالای اتاق، کلی دستگاه استراق

سمع هست. ممکن است در دستگاه هشدار آتش دوربین باشد. تلفن کنترل می‌شود. راننده ممکن است فارسی بلد باشد، درحالی‌که همیشه با شما انگلیسی صحبت کرده. زمان شوروی سابق، راننده یکی از سفارتخانه‌ها سرهنگ ککب بود. البته این را هم بگویم که جاسوس‌ها صلح را تضمین می‌کنند. وقتی من بدانم شما چقدر قدرت دارید، شما هم بدانید، ترس از همدیگر باعث می‌شود به سمت جنگ نرویم. جاسوس‌ها نقش بدی هم بازی نمی‌کنند. من همیشه می‌گویم حرف‌هایتان را در اتاق‌ها نزنید. به رستوران بروید یا در جایی پشت به دیوار حرف بزنید، یا خطوط قرمزتان را جایی نگویید که افشا شود.

● **از لوزان با آن فضای تیم مذاکره‌کننده باز این امکان را داشت، اما در وین چنین امکانی نبود.**

بله، کوپورک هتل بسته‌ای بود، در آنجا امنیت تیم خیلی مهم بود. چرا آنجا را انتخاب کردند؟ چون ساختمانی به آنجا مشرف نبود. می‌توانستند چهار طرف خیابان را ببینند و مزاحمت هم برای مردم محلی ایجاد نشود. انتخاب محل هم ضوابط خاص خودش را دارد. مثلاً در نیویورک هتلی به ما می‌دادند که یک بلوک ساختمانی که می‌توانستند چهار طرفش را ببینند که امن باشد. وقتی خط قرمزا مشخص شود، معلوم است شما کمتر و بیشتر از آن نمی‌خواهید و طرف با جاسوسی می‌فهمد که تا کجا چانه بزند. می‌داند که بیشتر از آن حد، دیگر نمی‌خریم.

● **علا دست مذاکره‌کننده مقابل حریف باز می‌شود.**

دست باز هم که دیگر مذاکره نیست.

منهای پابخت

ایجاد مدرسه بسیج در بوشهر

● **فارس؛ بوشهر؛ حمید خرمدل، جانشین فرمانده سپاه امام صادق(ع) استان بوشهر از ایجاد مدرسه بسیج برای ارائه بهتر آموزش‌های علمی، فرهنگی و دینی خبر داد و گفت: در نظر داریم با همکاری فرمانداری و آموزش‌وپرورش هرچه‌سریع‌تر این کار را انجام دهیم، او با بیان اینکه کلاس هفتم تا پایان دبیرستان در طرح آیه‌های تمدن‌کنکور بدون هزینه برگزار می‌شود، اضافه کرد: در کلاس‌های آیه‌های تمدن بهترین کتاب‌ها برای دانش‌آموزان تهیه می‌شود. اوضمن انتقاد از رتبه‌باین کنکور استان بوشهر در سطح کشور گفت: رزنده مردم بوشهر نیست که در رتبه‌های پایین مسابقات علمی و کنکور باشند. او با بیان اینکه اگر امروز سپاه و قرارگاه خاتم به‌شدت موردحمله دشمنان است به‌خاطر عمده خدمتی بوده که به مردم ارائه می‌دهند، ادامه داد: این خدمات بدون هیچ چشمداشت و هزینه به مردم صورت می‌گیرد.**

سفر قریب الوقوع جهانگیری به گلستان

● **باشگاه خبرنگاران؛ کرکان؛** جاستاندار گلستان به‌منظور انجام هماهنگی‌های لازم برای سفر قریب‌الوقوع جهانگیری و هیات همراه به استان، با معاون هماهنگی معاون اول رئیس‌جمهوری دیدار و گفت‌وگو کرد. حسن صادقلو در دیدار با ویسه، معاون هماهنگی معاون اول رئیس‌جمهوری، برخی طرح‌های نیمه‌تمام استان که نیاز به حمایت دولت برای تکمیل دارند را تشریح کرد. اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهوری و هیات همراه، برای افتتاح چند پروژه و بازدید از مناطق آشوراده و اینچه‌برون به‌زودی به استان گلستان سفر می‌کنند.

آمادگی فنلاند برای سرمایه‌گذاری درشهری

● **ایرنا؛ شهری؛** «هری کمراین» سفیر کشور فنلاند در سفر به شهرستان «ری» گفت: کشورش برای سرمایه‌گذاری در حوزه محیط‌زیست و تصفیه آب در بخش فاضلابیه شهرستان ری آمادگی کامل دارد. او ضمن دیدار از شهرک صنعتی و مراکز توریستی شهر حسن‌آباد، افزود: ظرفیت‌ها و قابلیت‌های موجود در ایران موجب اتصال و ارتباط بین این کشور و فنلاند در موضوعات مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است.

با ۱۰۰۰ تومان چی کار می شه کرد؟

شاید با هزار تومان نشود چیزهای خیلی زیادی خرید، ولی در محک هزار تومان های شما، ارز شمندترین هدیه دنیا یعنی ”تندرستی“ را به کودکان مبتلا به سرطان می دهد.

برای پیوستن به خانواده بزرگ محک و اکاهی از روش های کمک به کودکان مبتلا به سرطان با ما تماس بگیرید.



شماره حساب بانک پارسیان: ۰۲۱ - ۲۳۵۴۰

از اینکه به پیام ما توجه کردید، سپاسگزاریم.



۲۳۵۴۰ * ۷۲۰ * ۰۲۱



محک

مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان

mahak-charity.org